اقتباس بهاء اللّه
از صوفیان

بسم الله الرحمن الرحیم

اقتباس بهاء الله از صوفیان

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اقتباس بهاء الله از صوفیان

مشخصات کتاب

بر گرفته از: سایت بهائی پژوهی

اقتباس بهاء الله از صوفیان

بهائیان وقتی در توجیه ادعای خدائی و خدا آفرینی بهاءالله در تنگنا قرار می گیرند مثل خود میرزا به مطالب کهنه صوفیان متوسل می شوند و مقلد وار سخنان آنها را در قالب الفاظ در آورده و ناشیانه به اسم مظهریت ارائه می کنند و برای ناآگاهان از فرهنگ صوفیان حرف های نو جلوه می دهند. آنها در این سناریو این چنین مقدمه چینی می کنند:

۱–مقام حضرت بهاء الله در چنان رتبه ای است که کسی نمی تواند به آن پی ببرد.

۲–ما چون نمی توانیم خدا را بشناسیم: «بنابراین حضرت بهاالله کسی هستند که در عالم امر و خلق به جای خدا هستند.»

۳–بنابر نص کتاب اقدس":ان اول ما کتب الله علی (العباد را شما جا انداخته اید) عرفان مشرق وحیه و مطلع امره الذی کان مقام نفسه فی عالم امر و الخلق "...

یعنی نخستین چیزی که خداوند برای بندگان واجب فرموده است، شناختن مشرق وحی و مطلع امر است که مقام خود خدا در عالم امر و خلق است.

۴–حضرت بهاء الله در عالم امر و خلق خداست ولی در عالم حق خدا نیست.. به نظر می رسد گاهی از اوقات تلخیص و نقل مطالب خودش در رد مطلب کافی است. آنها از یک سو می گویند مقام حضرت بهاء الله در چنان رتبتی است که شناخت ایشان ممکن نیست و از این معرفت استغفار می کنند و می گویند: در مورد مقام حضرت بهاالله استغفار لازم است زیرا خلق به عالم امر پی نبرد زیرا رتبه او بالاتر است و ما پایین تر همانطور که امر نمی تواند به عالم حق و ذات لا یدرک پی برد. یکی از اصول بهایی این است که هیچ رتبه ای نمی تواند رتبه مافوق خود را ادراک کند. (مکاتیب جلد ۳ و همچنین در کتاب مفاوضات) نبات به ادراک حیوان نمی رسد، حیوان به ادراک انسان و به همین ترتیب انسان هم نمی تواند به ادراک مظهر امر الهی برسد و مظهر امر نیز نمی تواند به ادراک خدا برسد. حضرت محمد نیز می گویند" ما عرفناک حق معرفتک "تو را آن طور که حق شناختن توست نشناختیم (کتاب اربعین از شیخ بهایی) در نتیجه ما هم نمی توانیم مظاهر امر الهی را بشناسیم و هر چه بگوییم خطا کرده و گناهکاریم... راستی شگفت انگیز نیست؟ آنها از یک سو از اقدس نقل می کنند که نخستین چیزی که بر بندگان واجب است شناخت بهاء الله است و از سویی دیگر از این که بهاء الله را بشناسند استغفار می کنند!!! دیده بگشایید ای خردمندان! نکته ی مهم تر را که جداگانه و به تفصیل بحث خواهیم کرد آن است که این حرف ها هیچ تازگی ندارد و در آن دورانی که جناب بهاء الله در کوه های سلیمانیه با نام مستعار درویش محمد به سر برده است، از دراویش و صوفیه آموخته و به عنوان یک مطلب بدع و بکر به خورد احبا داده است. لازم است سخنان عرفا و صوفیه را در این مقوله نقل کنیم: سخن عارفان به اجمال و اختصار آن است که: خداوند در جلوه های گوناگون متجلی می شود و هر لحظه به شکلی در می آید. گزیده ی برخی از اشعار مولوی را در این باب می آورم: هر لحظه به شکلی بت عیار در آمد، دل برد و نهان شد هر دم به لباس دگر آن یار برآمد، گه پیر و جوان شد... گه نوح شد و کرد جهانی به دعا غرق خود رفت به کشتی گه گشت خلیل و ز دل نار برآمد، آتش گل از آن شد یوسف شد و از مصر فرستاد قمیصی روشن کن عالم از دیده ی یعقوب چو انوار برآمد، تا دیده عیان شد حقا که همو بود که می کرد شبانی اندر ید بیضا گه چوب شد و بر صفت مار بر آمد زان بحر کفان شد صالح شد و دعوت همه زان کرد به خلقان از بهر صلاحی ناقه شده و از دل کهسار برآمد، فی

الحال عیان شد خلاصه اشعار را ادامه می دهد و می گوید که ایوب و یونس و موسی و عیسی و محمد و آدم همه همو(خود خدا) بودند. تا آن که می گوید: حقا که هم او بود که می گفت أنا الحق، در صوت الهی منصور نبود آن که بر آن دار برآمد، نادان به گمان شد بررسی درست و غلط بودن این حرف ها سخن دیگری است، اما مهم آن است که جناب بهاء الله به پیروی از دراویش و صوفیه و عرفا، بیاناتی در هم آمیخته و در پی آن ادعای من یظهره اللهی کرده است. این مقامات را پیش از ایشان امثال منصور حلاج و بایزید بسطامی و محیی الدین عربی و لاهیجی نیز داشته اند. آنان اصولاً تعینات را در عالم کثرت می بینند و در عالم وحدت همه چیز را یکی می شمارند. از همین روست که می گویند: چون که بی رنگی اسیر رنگ شد موسی ای با موسی ای در جنگ شد یعنی موسی و فرعون در عالم وحدت یکی هستند و این عالم کثرت است که آنان با هم دعوا و ستیز دارند. و باز از همین روست که جناب بهاء الله هر زمان خود را در یک حالت مشاهده می کرده است. به برخی حالات درویشی ایشان توجه کنید: یک جا چنین می گوید: (به راستی می گویم ولِوَجهِ الله می گویم، این عبد و این مظلوم شرم دارد خود را به هستی و وجود نسبت دهد تا چه رسد به مقامات فوق آن. و در جا و حالتی دیگر چنین می گوید: (قُل یا هؤلاءِ فَأبشِروا فی تِلکَ الأیّامِ الَّتی فیها أتَی اللهُ فی ظُلَلٍ مِنَ الرُّوح) بگو ای مردم پس شما را مژده باد در این ایامی که خدا در سایبانهائی از روح آمده است در جائی برای بابی های بغداد می نویسد: (این نامه از نمله ی فانیه به سوی احبای خدا ارسال می شود) نمله ی فانیه که می دانید یعنی چه؟ یعنی مورچه ی بی مقدار نابود شدنی! ولی در جایی دیگر خود را فرستاده خدا می خواند: (قَد بَعَثَنِیَ اللهُ و أرسَلَنی إلَیکُم بآیاتٍ بیّناتٍ) همانا خدا مرا برانگیخت و با نشانه های آشکار به سوی شما فرستاد. در مقابل ناصرالدین شاه قاجار خود را این گونه توصیف می کند: (یا مَلِکَ الأرضِ إسمَع نِداءَ هذا المَملُوک! إنّی عبدٌ آمنتُ بِالله و آیاته)- آغاز لوح سلطان- ای پادشاه روی زمین ندای این برده ی زرخرید را بشنو. به درستی که من بنده ای هستم که به خدا و آیاتش ایمان آوردم. لکن در لوح سیّاح به میرزا علی مراغه ای چنین فرمان می دهد: (أن یا عَلی فَاشهد بِأنّی ظُهورُ اللهِ فی جَبَروتِ البَقاء و بُطُونُه فی غَیبِ العماء... و کلٌّ خُلِقُوا بِأمری) ای علی پس شهادت بده که محققاً من ظهور خدا در جبروت هستی و بقاء هستم و حقیقت درونی او در غیب نادیدنی می باشم... و همه به فرمان من آفریده شده اند. و بالاخره وقتی بازار الوهیت و ربوبیت را آشفته می بیند، دعوی خدا آفرینی می کند. (اظهار ربوبیت و الوهیت بسیاری نموده. حضرت قدوس روحی له الفداء یک کتاب در تفسیر صمد نازل فرمودند از عنوان کتاب تا نهایتش إنّی أنَا الله است و جناب طاهره إنّی أنَا الله را در بدشت تا عنان آسمان بِأعلی النِداء بلند نمود و هم چنین بعضی احبا در بدشت و جمال مبارک در قصیده وَرقائیه می فرمایند: کُلُّ الاُلُوهِ مِن رَشحِ أمری تَألَّهت و کُلُّ الرُبوبِ مِن طَفحِ حکمی تَرَبّت) یعنی همه ی خداها از قطره های کوچک فرمان من به خدائی رسیدند و همه ی پروردگارها از زیادی و ریزش حکم من به ربوبیت نائل آمدند. به این ترتیب روشن می شود که اصولاً از منظر عرفان و تصوف، این مقامات به هیچ روی نشانه ی پیامبری و آوردن دین جدید و دیگر مقاماتی که بهاء الله برای خودش قائل بوده، نیست. همه ی بزرگان عرفان، از این حالات داشته اند چنان که خواندید جناب قدوس و طاهره قرة العین هم از این حالات روحانی! داشته اند. خلاصه آن که حضرت بهاء الله با این بیانات کهنه و قدیمی که از آموخته های ایشان در کوه های سلیمانیه و در دوران آموزش های درویشی بوده است، چیز تازه ای نیاورده اند و بالاخره آن که اثبات این مقامات برای ایشان به جز ادعای صرف، چگونه ممکن است؟!

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید

بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹